

اشتراکات فرهنگی پاکستان و ایران و اهمیت

نو روز در منطقه

امبر یاسمین، پی ایچ ڈی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زبان های نوین، اسلام آباد

Pakistan- Iran cultural commonalties and Importance of Nowruz in the Region

Amber Yasmin, PhD

Associate Professor of Persian

National University of Modern Languages, Islamabad

Abstract

Pakistan and Iran are the two neighboring countries with deep-rooted religious, historical, and cultural ties. Both of the countries are strategically located in South Asia. They share a border through Iran's Sistan- Baluchistan province, the only Iranian Province adjacent to Pakistan. Historically, the relationship between the two nations has always been enriched by shared traditions, language and cultural exchange. During the 11th century, under Ghaznavid rule, Lahore emerged as a significant center for Persian scholars and Sufis. It attracted scholars and mystics from Khorasan, India, and Central Asia, and also became a major Persian religious hub. Notably, "Kashf al-Mahjoob", was the first religious book written in Persian prose in the subcontinent by "Hazrat Data Ganj Bakhsh Ali Hajveri", and in the contemporary world, "Masood Saad Salman" became the first Persian-language poet of the subcontinent (now Pakistan). Pakistan and Iran share a remarkable affinity in various domains including history, literature, attire, arts, culinary traditions and cultural festivals. One of the most significant of these shared traditions is the celebration of Nowruz, which holds exceptional cultural and symbolic importance across the region. This study aims to explore the historical and cultural commonalities between Pakistan and Iran, with a particular focus on celebration of Nowruz offering an in-depth analysis of its regional significance and enduring legacy.

Keywords: Pakistan and Iran, Shared commonalties, Persian hub, Nowruz, Importance across the region

پاکستان و ایران دو کشور همسایه، ریشه مشترکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی عمیقی دارند. هر دو کشور از نظر استراتژیک در جنوب آسیا قرار دارند و استان سیستان و بلوچستان تنها استان ایران است که با پاکستان هم مرز است. لاهور، تحت حکومت غزنوی در قرن یازدهم، دانشمندان و صوفیان فارسی را از خراسان و هند و آسیای مرکزی به خود جذب کرد و به قطب اصلی مذهبی فارسی تبدیل شد. کشف المحجوب اولین کتاب مذهبی است که به نثر فارسی در شبه قاره توسط «حضرت داتا گنج بخش علی هجویری» نوشته شده است و «مسعود سعد سلمان» در قرن یازدهم اولین شاعر پارسی زبان پاکستان است. پاکستان و ایران تنها کشوری اند که در زمینه های علم، غذا، لباس، ادب، اعیاد و جشن ها دارای مشترکات زیادی اند. یکی از این جشن ها جشن نوروز است که دارای اهمیت فوق العاده ای در منطقه است. در این پژوهش با تحلیل عمیق مشترکات دو کشور پاکستان و ایران و نیز اهمیت جشن نوروز در منطقه مورد بحث قرار می گیرد.

مقدمه: پس از ظهور اسلام در قرن هفتم، فرهنگ، زبان و سنت های اسلامی ایرانی به طور قابل توجهی بر شبه قاره، از جمله مناطقی که اکنون پاکستان هستند، تأثیر گذاشت. اولین فرمانروایان مسلمان که بعد از ظهور اسلام به شبه قاره وارد شدند، غزنویان بودند. در اثر یورش های مکرر محمود غزنوی راه "برای پناهندگان سیاسی، بازرگانان و مهاجران بی خانمان به هند روی آوردند و در میان آنان ورود صوفیان، قلندران و عالمان دینی، پیشوایان مذهبی، شاعران بیش از همه در اوج اندیشه و زبان و فرهنگ ایرانی در هند موثر افتاد." (۱) پس از فتح شمال هند، هجوم مردم از هر قشر از آسیای مرکزی و ایران در شبه قاره آغاز شد که تا سقوط امپراتوری مغول ادامه یافت. سربازان، هنرمندان، شاعران و نویسندگانی که از آسیای مرکزی و ایران آمده بودند، جامعه شبه قاره را از هر نظر تحت تأثیر قرار دادند که در نتیجه آن تمدن جدیدی بنام "تمدن هندو مسلم" بوجود آمد. مسلمانان حدود هزار سال شبه قاره حکومت کردند. در این دوره هزار ساله، زبان فارسی عموماً زبان حکومت، دربار و طبقات قدرتمند بود. لاهور پایتخت دولت غزنویان نیز مرکز ادبی آن دوره بود. ابوعبدالله اهل

لاهوری که با دربار مسعود اول (۱۰۴۰-۱۰۳۰) در ارتباط بوده، نخستین شاعر زبان فارسی به شمار می‌رود. مسعود سعد سلمان شاعر معروف دوره غزنوی (۱۰۴۶ م - ۱۱۲۱ م) را نخستین شاعر پارسی صاحب دیوان در شبه قاره می‌نامند و کشف المحجوب اولین کتاب مذهبی است که به نثر فارسی در شبه قاره توسط "حضرت داتا گنج بخش علی هجویری" نوشته شده است.

روش تحقیق: در این مقاله از روش توصیفی استفاده شده است و گردآوری اطلاعات بر مبنای منابع مورد مطالعه و اطلاعات به دست آمده با شیوه توصیفی انجام شده است.

نواحی شبه قاره ای که پاکستان از آن تشکیل شده است از زمان های قدیم با آسیای مرکزی و ایران ارتباط نزدیک داشته است. فرهنگ استان مرزی شمال غرب و بلوچستان آنقدر تأثیرات آسیای مرکزی و ایرانی دارد که تشخیص آنها دشوار است. همچنین مولتان، شهر باستانی پاکستان، زمانی مرکز تمدن پارسی بوده است. احتمالاً به همین دلیل است که زبان مولتان به فارسی بیشتر از اردو یا پنجابی نزدیک است. همینطور مناطق سند تحت تاثیر فرهنگ ایرانی است. زبان فارسی قریب به یک هزار سال در شبه قاره از جمله پاکستان زبان رسمی کشور بوده است. و از همان آغاز زبان درباری و علمی بوده و پیشینه قوی دارد، و در همین سطح هم نمانده و به زندگی مردم عادی، روزنامه ها و جامعه هم وارد شده و تأثیر بسزایی بر زبان اردو داشته است. بسیاری از واژه ها، اصطلاحات و سبک های ادبی در اردو از فارسی گرفته شده اند بلکه ۶۰ درصد کلمات و واژه های زبان اردو فارسی است. نزدیکی اردو به فارسی را می توان از این واقعیت درک کرد که سرود ملی پاکستان کاملاً به زبان فارسی است. بنا بر این ما مشترکات زیادی در زمینه های زبان و ادبیات، مراسم، اعیاد و جشن ها، غذا، پوشش و هنر، اسطوره و داستان ها و مشاهیر داریم. در نتیجه پاکستان و ایران و با اشتراکات عمیق فرهنگی، تاریخی و زبانی باهم گره خورده اند. در بیشتر بناهای دوره مغول فن معماری ایرانی مشهود است.

بزرگان دین از ایران برای تبلیغ اسلام به شبه قاره تشریف آورده بودند و در ترویج فرهنگ ایرانی در شبه قاره مخصوصاً کشمیر، پنجاب، ایالت سرحد و

سند خیلی سهیم بوده اند. مهم ترین این عرفاء و بزرگان حضرت میر سید علی همدانی، خواجه معین الدین اجمیری چشتی، حضرت شاه شمس تبریز، حضرت عثمان علی هجویری معروف به داتا گنج بخش، حضرت لال شهباز قلندر بودند اینها از راه شریعت و طریقت به مردم این منطقه خدمت کردند و هم اسلام و هم فرهنگ اسلام و زبان فارسی را ترویج نمودند. مردم از اینها خیلی احترام دارند و کتب و دواوین از این بزرگان تاکنون سبب رشد و هدایت خلاق است و آثار گران مایه شان موجب رستگاری اسلامیان این منطقه است.

هر دو کشور بدلیل اعتقادات و باور ها سنت های ریشه دار کشور های اسلامی اند و مردم هر دو کشور دارای احترامات زیادی نسبت به مذهب ، پیامبر گرامی و قرآن مجید دارند. تعطیلات مذهبی نسبت به عاشورای محرم ، اعیاد از جمله عیدالفطر، عیدالاضحی و همچنین در آخرین شب های ماه رمضان معمولاً در خانواده های پاکستانی و ایرانی جشن گرفته می شود. مردم هر دو کشور برای بزرگان دین ، صوفیاء و شخصیت های مهم اسلامی احترام زیادی قائل اند. مردم هر دو کشور برای زیارت به مکه می روند و یک تعدادی از زائرین از شهر های مختلف پاکستان به زیارت حرم امام رضا می روند.

در کنار مشترکات مذهبی پاکستان و ایران سنت های ادبی غنی و در هم تنیده ای دارند که بر اساس پیشینه های مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی آنها شکل گرفته است. شاعران نامدار ایرانی از جمله سعدی، حافظ، مولانا، عمر خیام نیز در پاکستان شهرت دارند. همینطور شاعران معروف شبه قاره مانند غالب، بیدل، امیر خسرو و اقبال میان ایرانیان مقبول و معروف اند. شاعر ملی پاکستان علامه محمد اقبال برای ابراز افکار و اندیشه های ارزشمند خود زبان فارسی را برگزید و تعداد بیشتر آثارش به زبان فارسی است. اقبال زبان فارسی را زبانی شیرین و دوست داشتنی می دانست، چنانچه در اسرار خودی می گوید:

گرچه هندی در عذوبت شکر است
طرز گفتار دری شیرین تر است (۲)

به عقیده اقبال چون زبان فارسی بیشترین مخاطب را دارد به همین دلیل زبان فارسی را انتخاب کرد و اقبال خودش ادعای این کرده و بیتی در این خصوص دارد:

پارسی از رفعت اندیشه ام
در خورد با فطرت اندیشه ام (۳)

همچنین شاعر ، ادیب ، روزنامه نگار و روشنفکر ایرانی ملک الشعرای بهار برای پاکستان عقیدت بسیاری دارد برخوردار است و در قصیده اش بعنوان "یادگار بهار به پاکستان" در مورد موضوع روابط ایران و پاکستان چنین می سراید:

همیشه لطف خدا باد یار پاکستان به کین مباد فلک دیار پاکستان
سزد کراچی و لاهور، قبه الاسلام که هست یاری اسلام کار پاکستان
ز فیض سعی و عمل وز شمول علم و هنر فزون شود همه روز اعتبار پاکستان
ز ما درود فراوان به شیرمردانی که کرده اند سر و جان نثار پاکستان
به روح پاک شهیدان که خونشان بر خاک کشید نقشه پر افتخار پاکستان
زما درود بر آن روح پرفتوح بزرگ «جناح»، رهبر والاتباع پاکستان
درود باد به روح مطهر «اقبال» که بود حکمتش آموزگار پاکستان
همیشه تا که زگشت زمین شب آید و روز به خرمی گذرد روزگار پاکستان (۴)

Amber Yasmin

همینطور زبان فارسی از همان زمان گرفته تاکنون در دانشکده ها و 13 دانشگاههای مختلف پاکستان تدریس می شود و استادان و دانشجویان با علاقه فراوان زبان و ادب فارسی را مطالعه می کنند و کتاب های فارسی در این منطقه تالیف می شوند. کتابخانه های بزرگ پاکستان یک مایه ای از کتاب های ارزشمند فارسی را در دامن خود دارند و یک تعدادی از نسخه های خطی در مناطق مختلف پاکستان به ویژه در کتابخانه های دولتی پاکستان از جمله کتابخانه ملی پاکستان ، کتابخانه عمومی پنجاب لاهور، کتابخانه قائد اعظم لاهور، آرشیو ملی پاکستان اسلام آباد، آرشیو سند کراچی، آرشیو بلوچستان کوئته، کتابخانه اورینتل کالج لاهور، کتابخانه دانشگاه کراچی، کتابخانه علامه اقبال (دانشگاه کشمیر، میرپور)، کتابخانه موزه پیشاور و نیز در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد وجود دارند. لازم به ذکر است که مردم در خانه های شخصی هم دارای نسخه های خطی ارزشمندی اند.

غذا های پاکستان و ایران بدلیل تبادلات تاریخی و فرهنگی مشترک، شباهت های زیادی برخوردار اند از جمله برنج، پلو، بریانی، کباب، حلوه، و نان. همچنین مردم هر دو کشور به لباس های سنتی مانند شلوار و قمیض (دامن) علاقه دارند که به اشکال مختلف در هر دو کشور پوشیده می شود. در ایران، چادر شل و مانتو توسط زنان در برخی مناطق پوشیده می شود، در حالی که در پاکستان، زنان ممکن است در کنار لباس سنتی خود چادر، دوپاتا یا نقاب بپوشند. معماری ایرانی بر طراحی مساجد و بناهای مذهبی در پاکستان تأثیر زیادی گذاشته است. مکان های مسجد شاهی لاهور و مولتان و حرم امام رضا مشهد نمونه های نمادین از مشترکات فرهنگی دو کشور اند.

خوشنویسی و موسیقی ایرانی و پاکستانی هم شبیه یکدیگر اند و همینطور فرهنگ مهمان نوازی در خانواده ها و پزیرایی گرم مهمانان از چای و تهیه غذای مفصل و احترام بزرگان خانواده سنت های مشترک دو کشور اند. همچنین مراسم عروسی، خواستگاری، خاکسپاری و مراسم فرهنگی از جمله جشن مهرگان، شب یلدا و به ویژه نوروز در هر دو کشور مشترک اند. یکی از این جشن ها که در پاکستان بیشتر جشن گرفته می شود نو روز است. جشن نو روز ناتنها در ایران و پاکستان بلکه در سایر مناطق آسیای میانه و خاور میانه نیز برگزار می شود، به این خاطر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نوروز بزرگترین جشن ملی ایرانیان است که با آغاز سال جدید اول فروردین برگزار می شود. نو روز کلمه فارسی است و در لغت به معنای "روز نو" است. طبق دکتر ذبیح صفالله "جشن نوروز یا "جشن فروردین" یا "بهار جشن" جشنی است که از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین شروع می شده تا مدتی دوام داشته و دارد. این عید از بزرگترین اعیاد ملی ایرانیان و نماینده قریحه شاداب این ملت کهن سال است و در میان اعیاد سایر ملل نظیر آنرا کمتر می توان یافت. این جشن را برتری بر سایر اعیاد از آن جهت است که در هنگام جوانی جهان بر پای می شود. یعنی مبشر نو شدن و پایان شدن عمر زمستان و بقول ابو ریحان پیشانی سال نو است." (۵)

نو روز در تاریخ به نام های مختلف نیز خوانده می شد از جمله "در زبان اوستایی به نام ناوا سردا navaka raocah" آمده که نام باستانی نو روز است. در زبان های ایرانی آسیای میانه مانند سغدی و خوارزمی نو روز با نام های "نوسارد" و "نوسارجی" شناخته می شد که به معنای سال نو هستند. همچنین در ترکیه این جشن با نام "نو روز پیری" شناخته می شود. در افغانستان نو روز با نام "نو روز باهام" شناخته می شود. همچنین در تاجیکستان با نام "نو روز تایی" معروف است و در پاکستان نو روز را "عالم افروز" می گویند و در هند نوروز با نام "نو روز سعید" شناخته می شود. همچنین در عراق و سوریه با نام "نو روز مبارک" معروف است". (۶) نیز در ادبیات فارسی گاه به نام "جشن فروردین" نیز خوانده می شود.

روز فرخنده فروردین است

روز بازار گل و نسرين است(۷)

اگر به پیشینه نوروز برگردیم وجود جشن نو روز مدت ها قبل از تولد عیسی یافت می شود. نمادهای نوروزی آتش، نور و خورشید هستند. این مظاهر طبیعت سه هزار سال قبل از میلاد مسیح در این منطقه از زمین که شامل ایران، آذربایجان و برخی مناطق عراق و سوریه کنونی می شود، پرستش می شد. در زمان زرتشت پادشاه نامدار ایرانی، نوروز از جایگاه ویژه ای برخوردار شد. در عصر زرتشتیان، نوروز را مظهر و نماد چهار عنصر طبیعی آب، خاک، آتش و هوا می دانستند "زیرا در روز نو روز زردشتیان، در اول بامداد، از بستر برخاسته، پس از شستشوی بدن، جامه نو پوشیده به آتشکده می روند و به صدقات و خیرات می پردازند و آن روز را به دید و بازدید دوستان می گزارند." (۸)

سپس در هر زمانی نو روز برگزار می شد. شاهان هخامنشی جشن بزرگی را برپا می ساختند و هدایای پر ارزشی به یکدیگر می دادند. و این رسم در عهد خلفای اسلامی همچنان در سر زمین ایران رایج بود. از عهد سلاطین ساسانی این رسم میان آن رایج است که "بیست و پنج روز قبل از نوروز در صحن دارالملک دوازده ستون از خشت خام برپا میشد که برستونی گندم و برستونی برنج و برستونی عدس و برستونی باقلی و برستونی کاجیله و برستونی

ارزن و برستونی ذرت و برستونی لوبیا و برستونی نخود و برستونی کنجد و برستونی ماش میکاشتند و اینها را نمیچیدند مگر بغنا و ترنم و لهُو. در ششمین روز نوروز این حبوب را می کنند و در مجلس می پراکندند و تاروز مهر از ماه فروردین ۱۶) فروردین آنرا جمع نمیکردند این حبوب را برای تفاؤل میکاشتند و گمان میکردند که هریک از آنها که نیکوتر و بارورتر شد محصولش در آنسال فراوان خواهد بود و شاه بنظر کردن جو مخصوصاً تبرک می جست" (۹)

از دیگر رسوم نو روز آن روزگار خانه تکانی ، افروختن آتش، ریختن آب، هدیه دادن شکر بود اما از مرسوم ترین و با شکوه ترین رسم آن زمان که هنوز هم دنبال می شود کاشتن سبزی از هفت غلات است که اگر بهتر می روید نشان فراونی رزق است.

از مهم ترین مراسم جشن نو روز کاشتن سبزه ،خانه تکانی، چهارشنبه سوری، چیدن سفره هفت سین، تحویل سال، گرده زدن سبزه، دید و بازدید فامیل ها و سیزده به در است که هر کدام به مدت سیزده روز در ایران بر اساس آداب و سنن مناطق رایج ایران برگزار می شود.

درکنار ایران جشن نورز در اغلب کشورهای منطقه ازجمله افغانستان، پاکستان تاجیکستان، جمهوری آذربایجان ،ازبکستان ،ترکمنستان ، قزاقستان، قیرقیزستان ، قفقاز ، آلبانی، هند ، ترکیه ، روسیه، عراق، سوریه نیز برگزار می شود. نوروز از چند سال های اخیر از اهمیت جهانی برخوردار شده است و یکی از جشن های بنیادین قاره آسیا محسوب می شود و در کشور های چین، گرجستان مقدونیه و نیز در بعضی مناطق بیلاروس ، ژاين ،مصر، امریکا و کانادا نیز برگزار می شود.بر اساس یک برآورد، در سراسر جهان، سالانه ۴۰۰ هزار نفر از آتش پرستان نوروز را جشن می گیرند، اما در مجموع ۳۰۰ میلیون نفر به نوعی جشن می گیرند.

بنا بر این بدلیل جهانی شدن این جشن، مجمع عمومی سازمان ملل روز اول فروردین ۲۱ مارس را به عنوان روز جهانی عید نوروز، با ریشه ایرانی به رسمیت شناخته و آن را در تقویم خود جای داده است.

تفاوت برگزاری این جشن در منطقه این است که نو روز در ایران آغاز سال نو به شمار می رود اما در اغلب کشورهای آسیای میانه با تقویم میلادی متداول است و نو روز به عنوان فصل بهار جشن گرفته می شود. چون در ایران آغاز سال نو است و مانند عید جشن بزرگی است به این دلیل سال نو همراه با تعطیل های رسمی آغاز می شود اما در کشورهای ایران ، افغانستان، تاجیکستان و کشورهای آسیای میانه مشترک اند. پوشیدن لباس نو، دید و بازدید بزرگان و تهیه غذا های نو روزی از جمله پلو ، ماهی ، سمنو ، آش رشته و شربنی های باقلوا محبوب ترین غذای این منطقه اند.

در مناطق مختلف پاکستان نیز مردم جشن نوروز را برگزار می کنند. در پاکستان در مناطق استان بلوچستان (شهر های کویته ، جعفر آباد ، مکران، گوادر) ایالت گلگیت-بلتستان (شهر های گلگیت ، اسکردو ، هنزه ، استور چترال) استان خیبر پختونخواه (شهر های پیشاور ، سوات ، بنو و برخی از مناطق قبایلی) و شهر های مختلف استان پنجاب در شرق کشور برگزار می شود. علاوه بر آن در پایتخت پاکستان اسلام آباد در جاهای مختلف و هتل های معروف نیز سفره های نوروزی می چینند و مردم با علاقه فراوان در آن شرکت می کنند. در دانشگاه های بزرگ و معروف پاکستان نیز برای آشنائی دادن فرهنگ ایرانی به دانشجویان جشن نو روز برگزار می شود.

در ایالت گلگیت-بلتستان در آغاز این جشن مردم لباس نو می پوشند ، تخم مرغ رنگ کرده به بکدیگر هدیه می کنند. مراسم این جشن ها در پاکستان یک کمی تفاوت دارند و اجرای این برنامه ها همراه با آتش بازی و تیراندازی و چوگان بازی برگزار می شود. اما برگزاری این نوع جشن ها نماد مشترکات فرهنگی بین ایران و پاکستان است. علاوه بر این در آغاز فصل بهار مردم پنجاب جشن بهاران و بسنت را جشن می گیرند. آنها لباس های رنگارنگ می پوشند و رقص های سنتی اجرا می کنند.

آئین نوروزی در کشور تاجیکستان تقریباً مشترک اند. اما بعضی مراسم آن با جشن های ایرانی تفاوت دارند مثلاً در تاجیکستان یکی از آیین های

نوروزی که تاکنون باقی مانده "گل گردانی" است یعنی جمع آوری گل های وحشی توسط کودکان در روستا است. این کار در گذشته به عهده بزرگتر ها بود اما الان کودکان عهده دار آن شده اند. بچه ها گل ها را جمع آوری می کنند و بعد لباس های رنگی به تن کرده در روستا می گردند، در های مردم را می زنند و گل ها به آنها می دهند و زیر لب ترانه های نوروزی را زمزمه می کنند. همچنین از دیگر مراسم نو روز خانه تکانی، سمنو پزان، مراسم حوت، جفت براران و جشن انتخاب ملکه مهم ترین آئین نو روزی در تاجیکستان اند. همچنین در کشور آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، نو روز در آویل بهار همراه با رقص و موسیقی برپا می شود.

در کشور افغانستان جشن نوروز به طور گسترده ای جشن گرفته می شود. افغانی ها این روز را به "روز کشاورزان" هم می شناسند و دهقانان نخستین روز جشن به شهر می آیند و محصولات خود را به معرض نمایش قرار می دهند. بزرگ ترین مراسم نوروز در شهر مزار شریف همراه با جشن گل سرخ برپا می شود و مردم از میل غذا های خوشمزه از جمله پلوی مرغ یا پلوی ماهی و آجیل هفت میوه لذت می برند. جشن گل سرخ تا چل روز ادامه می باید این مراسم همزمان با مراسم جهنده علی (یا ژنده علی) انجام می شود. مراسم جهنده علی، مراسمی خاص دینی است که به مناسبت خلافت علی ابن ابی طالب در مسجد مقدس این شهر که گفته می شود آرامگاه این امام است اجرا می شود. این مراسم با برافراشتن یک علم در حرم منسوب به امام علی و در اولین روز سال اجرا می شود. بز کشی یکی از مسابقات ملی افغانستان است که در شهر کابل و نیز در ولایت های شمالی افغانستان در ایام نو روز اجرا می شود.

در مورد برگزاری جشن نوروز در کشور قیرقیزستان ، سید علیرضا هاشمی در مقاله تحقیقی خود بعنوان "جایگاه نوروز در کشورهای آسیای میانه" می نویسد: "عید نوروز در قیرقیزستان تنها یک روز، آن هم همه ساله در بیست و یکم ماه مارس برگزار می شود ... در قیرقیزستان ساعت یا لخطه تحویل سال وجود ندارد، سفره هفت سین رسم نیست و دید و بازدید و پزیرایی با آجیل و

شیرینی زیاد مرسوم نمی باشد...مراسم این روز را در شهرها دولت تدارک می بیند در روستاها بزرگان و ریش سفیدان دربرگزاری آن دخالت دارند." (۱۰)

قیرقیزی ها یافتن این روز را فال نیکو شمار می کنند و این روز را "ناروز" می نامند. اگر در این روز پسر به دنیا بیاید، وی را «ناروزبای» و یا «ناروز بیک» و اگر دختر «ناروز» و یا «ناروزگل» نام گذاری می کنند... در نیمه روز، تمام جمعیت برای شرکت در جشن این روز جمع می شدند. در ساعت مخصوص گاو نر را ذبح می کردند و از گوشت آن غذایی با نام «ناروز کیژی» یا «چان کیژی» (یکی از غذاهای قدیمی قرقیزها که از گوشت، چربی، برنج، نخود، جو، گندم، ذرت، تالکان، آرد، ارزن، سارگا، سیب زمینی و ترشی جات عبارت است) آماده می کردند." (۱۱) برگزاری یکسری مسابقات از جمله سوار کاری و غیره مرسوم است.

"نوروز در کشور قزاقستان مثل ایرانی ها با رسم خانه تکانی آغاز می شود. اما یکی از رسم قزاقی ها مشابه تاجیکی هاست که آن هم برپا کردن دستر خوان هایی در خیمه هاست که به آن ها یورت گفته می شود. درون این خیمه ها که در شهرها برپا می شود، میزهایی پر از غذا، میوه و خوراکی های محلی و خوشمزه قزاقستان را می توانید شاهد باشید. یکی دیگر از رسوم مردمان این است که در کنار این خیمه ها، لباس های محلی خود را به تن کرده و نمایش های فرهنگی خود را اجرا کنند." (۱۲) از بازی های سنتی ایام نوروز که در قزاقستان مرسوم اند از قبیل: اسب دوانی، قول توزاق (مسابقه ای بین مردان و زنان که پیروزی زنان به فال نیک گرفته می شود)، کوکپار (مسابقه ای که در آن سوارکاران باید بتوانند بزی را از مکانی مشخص بردارند) و غیره است.

"نوروز جشنی طبیعی است که بی اعمال نظر خاص و یا تحمیل شرایط معین از سوی یک گروه و جامعه و ملت معینی بر دیگران، تحقق می یابد و هیچ غایت سیاسی یا اقتصادی و نظامی ویژه ای را دنبال نمی کند. نه مزیتی برای یک طبقه مخصوص می آفریند و نه اعتباری از نژاد مشخص را تهدید می کند. بر در خانه اغنیا همانسان متوقف است که در حضرت فقرا و رنگین پوستها را به همان طرزی پزیر است که سفید پوستان را، بشارت هایش عام است و نوید

هایش علنی ، واقعیت هایش حقیقی است و حقایقش واقعی. از روز حال سخن می گوید و در همان ضمن، گذشته ها را با آینده پیوند می زند، به نحوی که بشریت اصلی ترین تصویر خود را در آن ببیند و با هویتی واحد آشنا شود." (۱۳)

همچنین در کشور ترکیه مردم با اهتمام زیادی جشن نوروز را برگزار می کنند. عید نو روز میان مردم ترکیه با نام های "سلطان روز" یا "نو روز سلطان" معروف است. "مردم در مراسمی به نام "bayrak" در زمان عید نوروز دور یکدیگر جمع می شوند و کنار یکدیگر آهنگ های محلی می خوانند. مردم ترکیه در روز ۲۳ مارس، غذا پخته و آن ها را در سینی گذاشته و به صورت خیرات پخش می کنند. در واقع آن ها این کار را برای طلب آمرزش برای از دست رفتگان خود انجام می دهند." (۱۴) از بازی های معروف کشور ترکیه کشی شترها است که در ایام نوروز اجرا می شود.

به طور خلاصه، برگزاری این جشن که توسط میلیون ها نفر در کشورهای مختلف منطقه برگزار می شود، فراتر از تفاوت های سیاسی، و مذهبی و فرهنگی است و به عنوان یادآوری قدرتمند از میراث مشترک، احترام متقابل و ارزش های انسانی ما است. اگرچه مرزهای سیاسی بسیاری از ملت ها از هم جدا می کند، اما توان گفت که نوروز به عنوان یک ریسمان اتحاد عمل می کند و مردم را در کشورهایی مانند ایران، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان و در بخش هایی از آسیای مرکزی پیوند می دهد. این به عنوان یادآور پیوندهای قوی فرهنگی و تاریخ مشترکی است که این ملت ها را گرد هم می آورد و حس تعلق به یک جامعه فرهنگی گسترده تر را تقویت می کند. این نشان می دهد که علی رغم تفاوت ها در آداب و رسوم فردی جنبه اصلی جشن - شادی، اتحاد و تأمل جهانی است.

نتیجه گیری

بر اساس این پژوهش، نتیجه می گیریم که پاکستان و ایران در زمینه های مختلف شباهت هایی دارند. مهم ترین جشن این منطقه نوروز است که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان یک رویداد مهم فرهنگی در تمام کشور های آسیای به رسمیت شناخته است. نوروز جشن بزرگی است که نمادی از نو شدن، امید و آغاز های نو است و فرا رسیدن بهار و فصل تولد دوباره را

جشن می گیرد. اتحاد، صلح و هماهنگی میان مردم را بدون توجه به تفاوت هایشان ترویج می کند و در عین حال به میراث فرهنگی و احترام می گذارد. زمان تأمل، آشتی و پذیرش تغییرات مثبت است. یکی دیگر از سنت‌های رایج مشاهده شده در این مطالعه این است که در کنار جشن نوروز، بازی‌های سنتی نیز در این منطقه برگزار می‌شود که نشان‌دهنده تنوع فرهنگی و وحدت در منطقه است. با این حال، وقتی، هدف از جشن نوروز را در منظر نامۀ گسترده تر ببینیم، این جشنواره ما تشویق می کند تا دور هم جمع شویم، شادی را اشتراک بگذاریم، نفرت و منفی گرایی را از بین ببریم و دور یک میز برای تقویت وحدت، صلح و هماهنگی جمع شویم. میراث فرهنگی مشترک و جشنواره های منطقه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. ایجاد و روابط قوی تر تقویت بین کشورها از طریق همکاری های فرهنگی حیاتی است، به طور کلی، جشن نوروز پلی برای اتصال کشورها در حفظ و تقویت سنت های فرهنگی مشترک و متحد کردن جوامع مختلف در سال های آینده خواهد بود.



حواله جات

- (۱) صبحانی، توفیق، ۱۳۹۱، نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، (تهران: انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی)، ۴
- (۲) اقبال، محمد، ۱۹۹۰م، کلیات اقبال (فارسی)، چاپ ششم، (لاهور: انتشارات شیخ غلام علی ایند سنز)، ۱۱
- (۳) همان: ۱۲
- (۴) دیوان اشعار محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، (چاپ سوم)، (تهران: انتشارات سپهر)، ۷۹۴:۱
- (۵) صفا ذبیح الله، ۱۳۶۶، گاه شماری و جشن ملی ایرانیان، انتشارات مرکز شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی: ۶۳
- (۶) امیری، زهرا ۲۰ اسفند ۱۴۰۳، اسامی عید نوروز در ایران و کشورهای مختلف، <https://vanikmode>
- (۷) رونی، ابوالفرج، دیوان ابوالفرج رونی، ۱۳۰۴، (پروفسر چایکین مستشرق) (ضمیمه سال ششم ارمغان) مطبوعه شوروی، ۱۳۰۴: ۲۵
- (۸) نورانی، آیت الله مصطفی، ۱۳۷۵ بررسی عقاید و ادیان، دفتر مرکزی مکتب اهل بیت، ۱۶:۱۳۷۵

- (۹) صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۶، گاه شماری و جشن ملی ایرانیان، انتشارات مرکز شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی: ۸۴-۸۵
- (۱۰) هاشمی، سید علیرضا، ۱۳۸۲، جایگاه نوروز در کشور های آسیای میانه، پورتال جامع علوم انسانی، فرهنگ مردم ایران بهار، شماره ۴۶:۲ <https://ensani.ir/fa/article>
- (11) <https://farsnews.ir/FarsNews>
- (12) <https://www.alaedin.travel/blog/11418>
- (۱۳) شعبانی، رضا، ۱۳۷۸، آداب و رسوم نو روز، (تهران: انتشارات مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی)، ۲۳۰
- (14) <https://namnak.com/persian-new-year-traditions.p46082>

Bibliography

- Abul Faraj Runi, *Diwan-e Abul Faraj Runi (Prof Chayken Mustashariq)*, Zamima-e Sale Shisham Armagh, (Matmabahe Shoravi, 1304).
- Ameer, Zehra, *Asami Eid-e-Nowruz dar Iran va Kishwar hy Jahan Mukhtalif*, (1304) <https://vanikmode>.
- Bahar, Muhammad Taqi, (Malqul Shohrah), Jilde Awal, (Chape siwam). Intesharate Sepahar, (Tehran 1354).
- Hashmi, Syed Alireza, Jayeghae Nowruz dar Kishwarhye Asaiye Miyane, Portal e Jameh Alume Insani, Farhange Mardum Iran, (Bahar, Shomare 2, 1383)
- Iqbal. Muhammad, *Kulyat-e-Iqbal Farsi* (Chape Shisham), (Lahore: Ghulam Ali and sons Publications, 1990).
- Shabani, Reza, *Adab o Rasome Nowruz*, (Intesharate Markaze Mutalehate Farhanghi- Bain ul Millali, Tehran)
- Sobhani, Towfiq, *Nighai be Tarkihe Adabyate Farsi dar Hind*, Inresharate Shuraye Gustarish Zaban o Adabyate Farsi, (Tehran 1391).
- Nurani, Aytullah Mostaffah, *Barrsai Aqaide o Adiyane* (Daftre Markazi Maktabe Ahle Bait, 1375.)
- Zabih Ullah, Safah, *Gah Shomari va Jashne Mili Iranian*, Intesharate Markaze Shurahye Aali Farhang- o hunr, Markaze Mutalehat va hamahngi Farhanghi (1366).
- <https://ensani.ir/fa/article>.
- <https://farsnews.ir/FarsNews>
- <https://www.alaedin.travel/blog/11418>
- <https://namnak.com/persian-new-year-traditions.p46082>

